



هنر

هنر چون **مذهب** و **ادبیات**، از گذشته تا به حال، جزء ارکان اصلی زندگی بشر و در پیوند مستقیم با آیین‌ها و باورهای دینی بوده و از آنجا که همواره آدمی، با آفرینش آثار هنری، احساس شغف و لذت می‌کرده، با زندگی وی درآمیخته است.

فهرست مندرجات

- ۱ - قدمت هنر موسیقی
- ۲ - ماهیت هنر
- ۳ - رسالت هنر
- ۴ - منابع برای مطالعه بیشتر
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

قدمت هنر موسیقی

از میان انواع هنر، **موسیقی**، پیش از دیگر رشته‌های هنری وجود داشت. موسیقی مذهبی، از قدیمی‌ترین انواع موسیقی در دنیاست. تقریباً تمامی قبایل صحرانشین در **افریقا** و **مغولستان** و منچوری و اسکیموها و جنگل‌نشینان آمازون و گینه بیسائو و سرخ پوستان سراسر **قاره آمریکا** و ... بیش از دو هزار سال است که در آیین‌های مذهبی خود، از سازهای کوبه‌ای و سیمی و بادی و نواهای موزون، بهره می‌برند، چه‌رسد به مردمان متمدن **چین** و **هند** و **ایران** و **بین النهرین** و سواحل نیل و **یونان** و **روم**؛ امروزه، نواختن آرگ و خواندن آوازهای جمعی، از سنت‌های کلیسا شمرده می‌شود. در **اسلام** نیز، البته **غنا** (به معنای هر نوع آواز مخصوص مجالس گناه و موسیقی‌ای که شنیدنش موجب زوال عقل و اراده و قدرت تصمیم‌گیری در انسان شود) از آغاز، **حرام** بوده است؛ اما اغلب فرقه‌های مذهبی و مکتب‌های فقهی، در طول تاریخ اسلام، مخالفتی با آوازهای مذهبی (**تلاوت قرآن** و **مناجات** با آلبان، منقبت خوانی، مولودی خوانی، مذاحی، ذاکری، مصیبت‌خوانی و سماع شرعی) نداشته‌اند و به‌کار بردن سازهایی خاص (مثل دف، طبل، صنج، سُرنا، نی و نی انبان) را در **تعزیه** یا مراسم عروسی یا **جنگ** و تمرین نظامی یا عیدانه و ... مُجاز شمرده‌اند. به‌علاوه، **مجتهدان شیعه**، از سده‌های دور تا امروز، شنیدن یا اجرای هر نوع موسیقی غیرغنیایی را که همراه با گناه نباشد، **حلال** شمرده‌اند و فقط شنیدن آواز **زن** از سوی **مرد نامحرم** را استثنا کرده‌اند. [۱]

ماهیت هنر

هنر چیست؟ هنر، انتقال عواطف و احساسات هنرمند به **انسان** است. هنرمندان چیره‌دست، قادر بوده‌اند در آثارشان، عواطف و تجربیات خود را به‌صورتی آشکار کنند که باعث برانگیخته شدن احساسات مخاطب شود و با ایجاد عواطف مشترک با مخاطبان، ارتباط و پیوندی معنوی برقرار کنند. هنرمندان، با خلق آثار بدیع، آنچه را که افراد عادی از درک آن عاجز بوده‌اند، برای همگان، قابل فهم کرده‌اند. عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، آهنگ‌سازی، فیلم‌سازی، تئاتر، معماری، طراحی، طراحی کاریکاتور و... امروزه دیگر از بخش‌های ثابت و جذاب زندگی جوامع انسانی شمرده می‌شوند. تولستوی می‌گوید: هنر، یک فعالیت انسانی است و مقصدش انتقال عالی‌ترین و بهترین احساساتی است که انسان‌ها بدان‌ها دست یافته‌اند». [۲]

رسالت هنر

زمانی در دنیا غرب، بحث جنجال‌برانگیز آیا **زیبایی**، جزء ذات هنر است یا خیر؟ مطرح شد. عده‌ای معتقد بودند که اساساً هنر، تجربه زیباشناختی **بشر** از **جهان** است و برخی دیگر، براین باور بودند که هنر، تجربه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌های جهان است. اما باید در نظر داشت اگر هنر، تنها وسیله‌ای برای کسب لذت و نشان دادن زیبایی باشد، بسیاری از آثار هنری ارزشمند (که به‌عنوان نمونه، **فقر** و **تبعیض** یا **جنگ** و **مرگ** و آوارگی را به تصویر می‌کشند)، از دایره هنر، خارج خواهند شد. گروهی دیگر از پیروان **اخلاق**، هنر را وسیله‌ای برای ارتقای کمالات بشر و کسب فضیلت و معنویت والای انسانی دانسته‌اند. به‌گفته لئو تولستوی: هنر، صرفاً تولید آثار دلپذیر نیست. مهم‌تر از همه، لذت نیست؛ بلکه وسیله ارتباط انسان‌هاست برای دوام حیات بشر و برای سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی. پس ضروری و لازم است؛ زیرا افراد بشر را با برانگیختن احساساتی یکسان، به‌یکدیگر پیوند می‌دهد». [۳]

هنرمند، با ذهن پویای خویش، آثاری تازه می‌آفریند تا دریچه‌ای از دنیایی متفاوت را در مقابل چشم بینندگان بگشاید. هر جامعه‌ای می‌تواند از طریق بهره‌گیری از هنر خوب و سالم، با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، با همه مردم دنیا و در همه زمان‌ها، ارتباط و پیوند برقرار کند و با زبان هنر (که زبان مشترک و قابل فهم همگان است)، به زندگی در **جهان هستی** (که جلوه‌ای از ذات حق است)، معنا و مفهومی عمیق ببخشد.

تولستوی، هنر و ادبیات را از عالی‌ترین تجلیات جمال الهی و به‌وجود آورنده عالی‌ترین لذت‌های روحی و معنوی برای انسان، تعریف می‌کند. [۴]

نظامی (شاعر نامدار ایرانی)، شاعران را پیشرو و راهنمای عالم بشریت دانسته و مرتبه والایی به آنان نسبت داده و مقام آنان را پس از **پیامبران خدا** می‌داند و می‌گوید:

پیش و پستی یافت صف کبریا پس، شعرا باشد و پیش، انبیا.

کانت، شاعری را والاترین هنرها می‌پندارد و می‌گوید: شعر، غذای روح و فکر آدمی و آموزنده است». [۵]

در پایان، می‌توان چنین گفت که هنر و ادبیات، در تمامی اهداف و رسالت‌ها، دارای ویژگی‌های مشترک و یکسانی هستند و هیچ حدّ و مرزی، آنها را از هم جدا

نمی‌کند و شاید بتوان گفت که در اصل، ادبیات، بخشی از هنر است؛ اما آن بخشی است که به‌خاطر گستردگی زیاد، تا حدّی استقلال یافته و در نهادهای رسمی آموزش (مدارس، دانشگاه‌ها و...)، جدا بررسی می‌شود، در حالی که از نظر ماهیت، (چنان که ارسطو تصریح کرده است) در شمار هنرهاست. ادبیات، هنر کلامی است، در برابر هنرهای دستی، تصویری - تجسمی، صوتی و...

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. ادبیات چیست؟، زان پل سارتر، مترجم: ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: کتاب زمان، ۱۳۷۰.
۲. معنی ادبیات، علیرضا حافظی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۰.
۳. معنی زیبایی، اریک نیوتن، مترجم: پرویز مرزبان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
۴. معنی هنر، هربرت رید، مترجم: نجف دریا بندری، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.
۵. چشم‌اندازی از ادبیات و هنر، رنه ولک و آستین وارن و ادوارد مورگان فوستر، مترجم: غلامحسین یوسفی و محمدتقی (امیر) صدقیانی، تهران: معین، ۱۳۷۰.

پانویس

۱. ↑ نوری، محمداسماعیل، موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵، ص ۲۵-۵۷.
۲. ↑ تولستوی، لنو، هنر چیست؟، مترجم: کاوه دهگان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۷۶.
۳. ↑ تولستوی، لنو، هنر چیست؟، ص ۵۷.
۴. ↑ جی‌گریس، ویلیام، ادبیات و بازتاب آن، مترجم: بهروز غریب نژاد، تهران: سیما، ص ۱۵.
۵. ↑ طهماسبی، طغرل، موسیقی در ادبیات، تهران: رهام، ۱۳۸۰، ص ۴.

منبع

پایگاه اطلاع رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «هنر چیست؟ ادبیات چیست؟»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۴/۲۵. 

رده‌های این صفحه: [زیبایی‌شناسی](#) | [علوم انسانی](#) | [هنر](#)